آرمان ملی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۶۴۵
چهارشنبه
۱۴۰۲•۰۶•۲۲
۲۷ صفر ۱۴۴۵/ ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۳

محسن جلیلوند در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

توافق نانوشته ایران و آمریکا یک تاکتیک است

- مذاکرات قطر نمی‌تواند یک برگ برنده باشد
- بایدن چشم خود را به روی برخی تحریم‌های ایران بسته است
- در فضای بین‌الملل چیزی به نام برجام وجود ندارد

آرمان ملی- احسان انصاری: منابع آگاه اعلام می‌کنند دوحه دست‌کم هشت دور از مذاکرات با حضور مذاکره‌کنندگان ایرانی و آمریکایی را میزبانی کرده است. مذاکرات به این شکل بوده است که مذاکره‌کنندگان ایرانی و آمریکایی در هتل‌های جداگانه حضور داشتند و گفت‌وگوها به صورت دیپلماسی رفت و برگشتی بوده است. جلسات اول عمدتاً بر موضوع هسته‌ای و جلسات بعدی بر آزادی زندانیان متمرکز بود. به گفته سه منبع، دوحه یک ساز و کار مالی را به اجرا خواهد گذاشت که براساس آن هزینه‌های بانکی را پرداخت می‌کند و بر نحوه خرج کرد آن پول توسط ایران نظارت می‌کند، تا مبادا این پول برای اقلام تحت تحریم‌های ایالات متحده خرج شود. در این فرایند به دقت طراحی شده پنج شهروند دوتابعیتی آمریکایی بازداشت‌شده از ایران خارج می‌شوند و تعداد مشابهی از زندانیان ایرانی در ایالات متحده به کشورشان پرواز خواهند کرد. این در حالی است که در روزهای اخیر برخی عنوان می‌کنند مواضع ایران و آمریکا به هم نزدیک شده که این موضوع می‌تواند مسیر جدیدی را پیش روی دو کشور در زمینه پرونده هسته‌ای ایران به وجود بیاورد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با دکتر محسن جلیلوند، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. جلیلوند معتقد است؛ «توافق نانوشته و یا توافق ضمنی که این روزها درباره آن صحبت می‌شود بیشتر یک تاکتیک از سوی دو طرف است. در شرایط کنونی آمریکا با مسائل داخلی مانند انتخابات و مسائل خارجی مانند اوکراین مواجه است و ایران نیز با مشکلات اقتصادی و تحریم‌ها مواجه است که باعث شده در برخی زمینه‌ها دو کشور مواضع نزدیکی به هم داشته باشند. این وضعیت به معنای این است که دو کشور اقدام مثبتی برای حل مشکلات اساسی انجام نمی‌دهند، اما تلاش می‌کنند رویکردی در پیش بگیرند که اهداف آنها را در کوتاه مدت محقق کند. اینکه برخی عنوان می‌کنند ایران و آمریکا به هم نزدیک‌تر شده‌اند در واقع چنین نیست و مواضع طرفین بیشتر یک تاکتیک موقت است، هرچند بایدن چشم خود را روی برخی تحریم‌های ایران بسته و اجازه می‌دهد ایران در برخی زمینه‌های که به ظاهر تحریم است فعالیت‌هایی داشته باشد.» در ادامه این مصاحبه را می‌خوانید.

اخباری درباره نزدیکی مواضع ایران و آمریکا در برخی زمینه‌ها شنیده می‌شود. این در حالی است که ایران سرعت غنی‌سازی خود را کاهش داده و از سوی دیگر آمریکا نیز برخی تحریم‌های ایران را به صورت تلویحی نادیده گرفته است. ایران و آمریکا در چه مسیری قرار گرفته‌اند؟

توافق نانوشته یا توافق ضمنی که این روزها درباره آن صحبت می‌شود بیشتر یک تاکتیک از سوی دو طرف است. در شرایط کنونی آمریکا با مسائل داخلی مانند انتخابات و مسائل خارجی مانند اوکراین مواجه است و ایران نیز با مشکلات اقتصادی و تحریم‌ها مواجه است که باعث شده در برخی زمینه‌ها دو کشور مواضع نزدیکی به هم داشته باشند. این وضعیت به معنای این است که دو کشور اقدام مثبتی برای حل مشکلات اساسی انجام نمی‌دهند، اما تلاش می‌کنند رویکردی در پیش بگیرند که اهداف آنها را در کوتاه مدت محقق کند. اینکه برخی عنوان می‌کنند ایران و آمریکا به هم نزدیک‌تر شده‌اند در واقع چنین نیست و مواضع طرفین بیشتر یک تاکتیک موقت است. هرچند بایدن چشم خود را روی برخی تحریم‌های ایران بسته و اجازه می‌دهد ایران در برخی زمینه‌هایی که به ظاهر تحریم است فعالیت‌هایی داشته باشد. ایران نیز در حال کاهش تنش‌های منطقه‌ای با کشورهایی مانند عربستان، امارات متحده عربی است و به نظر می‌رسد ایران به دنبال ائتلاف منطقه‌ای است تا درگیری ایجاد نشود. با این وجود من معتقدم این رویکردها تاکتیکی و گذراست و از نظر استراتژیک مشکلات دو طرف همچنان باقی خواهد ماند.

بر اساس جزئیات جدیدی که از مذاکرات ایران و آمریکا در قطر منتشر شده دوحه دست‌کم هشت دور از مذاکرات با حضور مذاکره‌کنندگان ایرانی و آمریکایی را میزبانی کرده است. مهم‌ترین اهداف این مذاکرات محرمانه چه بوده است؟

دولت آمریکا نمی‌تواند بدون مجوز کنگره تحریم‌های علیه ایران را لغو کند. به همین دلیل دارایی‌های ایران به قطر انتقال پیدا می‌کند و در آنجا نیز کالاهایی مانند دارو و غذا که تحریم نیستند خریداری خواهد شد. این رویکرد نیز با تأیید آمریکا همراه باشد. با این وجود من در این وضعیت تردید دارم و معتقدم مذاکرات قطر نمی‌تواند یک برگ برنده برای دو کشور باشد. به نظر می‌رسد هر لحظه این احتمال وجود دارد که شرکت‌ها دچار مشکلات تحریم‌ها شوند. سه وزارتخانه دادگستری، امور خارجه و خزانه داری در آمریکا ایران را تحریم کرده‌اند. این وزارتخانه‌ها هم به صورت هماهنگ و هم به صورت واحد ایران را تحریم می‌کنند. به همین دلیل شرکت‌هایی که میلیاردها دلار برای سوددهی هزینه می‌کنند ریسک ورود به چنین ماجرایی را کمتر می‌پذیرند و بیشتر تلاش می‌کنند وارد این ماجرا نشوند. با این وجود این احتمال وجود دارد که ایران بتواند به این وسیله کالاهای غیر تحریمی را به خصوص در زمینه غذا و دارو را وارد کند.

چرا پافشاری روی برخی مسائل در مذاکرات گره مذاکرات را بیشتر کرد و کار به جایی رسیده که طرفین دست به اقدامات مُسکن کوتاه مدت می‌زنند؟

واقعیت این است که تصمیم گیری در زمینه سیاست خارجی به تنهایی در اختیار دولت نیست و دولت تنها اجرا کننده آن است. دولت تنها سیاستگذاری نظام را اجرا می‌کند و نه می‌تواند چیزی به آن اضافه کند و نه اینکه چیزی از آن کم کند. این سخن به معنای این نیست که دیدگاه‌ها و رویکردهایی که دولت در پیش می‌گیرد بر سرنوشت برجام تأثیر ندارد، بلکه از جهات مختلف در این زمینه تأثیرگذار است. در این زمینه دولت‌ها در اتحاذ تاکتیک‌هایی که در مقابل برجام در پیش می‌گیرند با هم متفاوت هستند. به هر حال دولت حسن روحانی رویکرد دیگری درباره برجام در پیش گرفت و موفق شد در دولت نخست خود برجام را امضا کند. این در حالی است که در دولت دوم روحانی شرایط تغییر کرد با به قدرت رسیدن ترامپ وی از برجام خارج شد و برجام با چالش‌های جدیدی مواجه شد که تا امروز نیز ادامه داشته است. رویکردی که دولت رئیسی درباره برجام در پیش گرفت با دولت روحانی متفاوت بود. دولت رئیسی از ابتدا عنوان کرد که اقتصاد کشور را به نتیجه مذاکرات گره نمی‌زند و همین رویکرد را در پیش گرفت. به هر حال در دولت رئیسی مذاکرات برجامی با فراز و نشیب‌هایی نیز همراه بود، اما در نهایت به نقطه‌ای رسید که دیگر امیدی به احیای برجام وجود ندارد. هرچند من معتقدم در دولت رئیسی فرصت‌هایی وجود داشت که می‌شد از این فرصت‌ها در راستای احیای برجام استفاده کرد. در داخل ایران برخی مخالف برجام بودند و از ابزارهایی که در اختیار داشتند علیه برجام استفاده می‌کردند. برخی از آنها به صراحت برجام را در صحن مجلس شورای اسلامی آتش زدند و برخی نیز دستاوردهای آن را منفی و علیه منافع ملی قلمداد می‌کردند. این وضعیت نشان می‌دهد که برجام در داخل و خارج از کشور مخالف داشت و این مخالفت‌ها زمینه پایان برجام را به وجود آورد. مخالفت‌هایی که در داخل با برجام صورت گرفت در نهایت مسئولان تصمیم گیر را به این نتیجه رساند که برجام خوب نیست و بهتر است که در اولویت برنامه‌های کشور قرار نداشته باشد. این در حالی است که در طول مذاکرات هسته‌ای بین دولت رئیسی و بایدن نیز اسرائیل و عربستان سعودی تلاش زیادی انجام دادند تا برجام به نتیجه نرسد. در نتیجه این فشارهای داخلی و خارجی بود که ما امروز چیزی به نام برجام نداریم و باید پایان آن را اعلام کنیم.

> **واقعیت این است که تصمیم‌گیری در زمینه سیاست خارجی به تنهایی در اختیار دولت نیست و دولت تنها اجرا کننده آن است. دولت تنها سیاستگذاری نظام را اجرا می‌کند و نه می‌تواند چیزی به آن اضافه کند و نه اینکه چیزی از آن کم کند. این سخن به معنای این نیست که دیدگاه‌ها و رویکردهایی که دولت در پیش می‌گیرد بر سرنوشت برجام تأثیر ندارد و بلکه از جهات مختلف در این زمینه تأثیرگذار است. در این زمینه دولت‌ها در اتحاذ تاکتیک‌هایی که در مقابل برجام در پیش می‌گیرند با هم متفاوت هستند**

> **در چشم‌انداز امنیت ملی آمریکا که منتشر شده موضوعی به نام برجام مشاهده نمی‌شود. در این چشم‌انداز ایران نیز در کنار روسیه و چین جز تهدیدها و چالش‌هایی است که آمریکا در آینده با آنها مواجه خواهد شد. به همین دلیل آمریکا فعالیت‌های خود را به شکل‌های مختلف علیه جمهوری اسلامی آغاز کرده است. در این شرایط تحریم‌ها به همین صورت ادامه پیدا می‌کند و تغییری در آن ایجاد نخواهد شد**

این سخن به معنای این است که در چشم‌انداز آینده چیزی به عنوان برجام و یا شبیه آن وجود نخواهد داشت؟

اگر واقع بینانه به موضوع نگاه کنیم امروز در عرصه بین‌الملل چیزی به نام برجام وجود ندارد و در آینده نیز وجود نخواهد داشت. امروز نه ایران در شرایط سال ۲۰۱۵ قرار دارد و نه فضای بین‌المللی. در سال ۲۰۱۵ آمریکا و روسیه در یک جبهه قرار داشتند و علیه ایران قطعنامه می‌دادند. این در حالی است که امروز بین روسیه و آمریکا شکاف ایجاد شده است. از سوی دیگر از نظر میزان غنی سازی و سطح غنی‌سازی ایران در وضعیت سال ۲۰۱۵ قرار ندارد. شرایط منطقه نیز تغییر کرده است. در سال ۲۰۱۵ مسأله‌ای به نام صلح ابراهیم وجود نداشت این در حالی است که در شرایط کنونی این موضوع مطرح است. شرایط داخلی ایران و آمریکا نیز تغییر کرده و دو کشور با شرایط متفاوتی نسبت به سال ۲۰۱۵ مواجه هستند. نکته مهم در این زمینه این است که در چشم‌انداز امنیت ملی آمریکا که منتشر شده موضوعی به نام برجام مشاهده نمی‌شود. در این چشم‌انداز ایران نیز در کنار روسیه و چین جز تهدیدها و چالش‌هایی است که آمریکا در آینده با آنها مواجه خواهد شد. به همین دلیل آمریکا فعالیت‌های خود را به شکل‌های مختلف علیه جمهوری اسلامی آغاز کرده است. در این شرایط تحریم‌ها به همین صورت ادامه پیدا می‌کند و تغییری در آن ایجاد نخواهد شد. در شرایط کنونی نشانه‌هایی مبنی بر لغو تحریم‌ها یا روزنه‌هایی که تحریم‌های ایران کاهش پیدا کند وجود ندارد و آنچه مشخص است این است که تحریم‌های ایران حداقل در کوتاه مدت لغو نخواهد شد. شاید در ماه‌های ابتدایی شکل گیری دولت رئیسی احتمالاتی درباره کاهش یا لغو تحریم‌ها وجود داشت، اما در شرایط کنونی این احتمالات نیز از بین رفته و نمی‌توان چشم‌انداز روشنی نسبت به تحریم‌های ایران داشت.

با توجه به شرایط کنونی چه چشم‌اندازی پیش روی پرونده هسته‌ای ایران قرار خواهد داشت؟

آنچه مشخص است این است که طرفین به صورت کج دار و مریز با هم رفتار خواهند کرد تا در نهایت اتفاقات جدیدی رخ بدهد. به تعبیر دیگر «از این ستون به آن ستون فرج است.» هنوز مشخص نیست چه چیزی جایگزین برجام خواهد شد، اما به نظر می‌رسد هر چیزی که جایگزین برجام شود مثبت نخواهد بود. در چنین شرایطی هر احتمالی وجود دارد. در ماه‌های گذشته مذاکراتی بین ایران و کشورهای غربی وجود داشته که این مذاکرات با فراز نشیب‌هایی همراه بوده، اما دستاورد مملوسی نداشته است. طرفین در برخی مقاطع مواضع به سمت نزدیک شدن مواضع حرکت کردند اما در اغلب موارد مواضعی متفاوت از یکدیگر داشتند و به همین دلیل در عمل برجام به نتیجه قابل توجهی دست پیدا نکرد. آنچه در مذاکرات رخ داد بیان مواضع دوطرف بود که به مرور زمان این مواضع از هم دورتر شد. به همین دلیل امکان دسترسی به توافق روز به روز از بین رفت. امروز دوطرف حتی درباره اینکه درباره چه موضوعی با هم صحبت کنند نیز توافق ندارند و مشخص نیست در آینده می‌خواهند درباره چه چیزی با هم مذاکره کنند.

یادداشت

آذربایجان برای ایران به سان اوکراین برای روسیه

عابد اکبری
کارشناس مسائل اروپا

طی روزهای گذشته جمهوری آذربایجان به فشارهای سیاسی و نظامی خود سرعت قابل توجهی بخشیده است. در حوزه سیاسی وزیر امورخارجه آذربایجان ضمن تهدید چند باره ارمنستان عنوان داشت «اگر ارمنستان به رویکرد غیرسازنده خود در پروژه کریدور زنگزور ادامه دهد، باکو پلن B خود را برای افتتاح این کریدور دنبال خواهد کرد. آذربایجان با اجرای پلن B به فعالیت خود در این مسیر ادامه خواهد داد، برای ما این پروژه حتی بدون مشارکت ارمنستان اجرا می‌شود، اما در این صورت به سادگی از لیست ذینفعان خارج می‌شود.» در حوزه نظامی نیز شواهد زیادی وجود دارد که جمهوری آذربایجان در حال تشدید آمادگی رزمی خود در منطقه است. در روزهای اخیر موارد زیادی از فیلم‌های ویدئویی مربوط به جابه‌جایی یگان‌های نظامی و تسلیحات و تجهیزات ارتش آذربایجان و بسیج نیروها و آمادگی رزمی آنها منتشر شده است. اکثر گزارش‌ها از فعالیت شدید نیروی هوایی باکو برای جابه‌جایی ادوات و نیروهای پیاده نظام در مرز ارمنستان حکایت دارد. همچنین رصد هواپیماهای باری از مقصد مناطق اشغالی نیز حکایت از جابه جایی تسلیحات به نقاط مختلف جمهوری آذربایجان دارد. در عرض ۳ هفته، ۴ پرواز ترابری توسط ایلیوشین IL-۷۶TD خطوط هوایی راه ابریشم با رجیستری ۴K-AZ۴۰ جمهوری آذربایجان به مقصد اسرائیل انجام شده است، خطوط هوایی راه ابریشم در زمان جنگ دوم قره‌باغ نیز اصلی‌ترین خط لجستیک هوایی باکو برای تأمین تسلیحات از اسرائیل بود. دو پرواز در روزهای ۱۵ و ۲۹ ماه آگوست و دو پرواز دیگر در روزهای ۱ و ۲ سپتامبر (چند روز پیش و همزمان با آغاز تحرکات ارتش باکو) انجام شده، مقصد هر ۴ پرواز پایگاه هوایی عوودا اسرائیل در ۶۰ کیلومتری شهر ایلات بوده است. در میانه کشاکش‌های آذری‌ها، سفر وزیر امور خارجه جدید ترکیه به تهران و دیدارش با مقامات جمهوری اسلامی ایران حاوی نکاتی بود که نباید به سادگی از آن گذشت. هرچند دیدگاه جمهوری اسلامی ایران و خطوط قرمز ایران در خصوص تحولات منطقه پیش‌تر توسط مقام معظم رهبری و رئیس جمهوری محترم به صورت شفاف بیان شده اما نباید از این نکته غفلت کرد که مباحث طرح شده توسط هاکان فیدان در ادامه مباحثی است که رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه در ابتدای تابستان جاری در دیدار با الهام علی‌اف، رئیس جمهوری آذربایجان طرح کرده و در آنجا به صراحت بیان کرده بود که «گشایش کریدور زنگزور مسأله‌ای با ایران است نه ارمنستان و رویکرد ایران در این ارتباط هم جمهوری آذربایجان و هم ترکیه را ناراحت می‌کند.» به نظر می‌رسد علی‌اف گرفتار یک خطای شناختی نسبت به قدرت بازیگری جمهوری اسلامی ایران در خصوص تحولات منطقه ارس شمالی است. ترکیه، ناتو و رژیم صهیونیستی که در پشت سر علی‌اف او را دچار این وضعیت کرده اند به دنبال اجرای یک سناریوی تکراری هستند و آن هم تبدیل آذربایجان برای ایران به سان اوکراین برای روسیه به عنوان یک سرعت‌گیر و زخم چرکین. اما نکته ای که این بازیگران از آن غفلت کرده‌اند قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و نفوذ معنوی ایران در بین مردم آذربایجان است. موضوعی که هرچند طی سال‌های اخیر به زور و اجبار حاکمان باکو در کمرنگ جلوه دادن آن سعی شده، اما امری غیرقابل کتمان است. موضوعی که در صورت ادامه روند غلط باکو در آینده‌ای نزدیک سبب ساز تحولات اجتماعی و سیاسی شگرفی در این کشور خواهد شد.

خبر

عضو کمیسیون امنیت ملی:

عدم کنترل قیمت‌ها یعنی عدم توفیق دولت

یک نماینده مجلس در ارزیابی خود از عملکرد دولت سیزدهم اظهار داشت: دولت سیزدهم از نگاه‌های مختلف، قابل نقد و بررسی است. هرچند دولت در حوزه دیپلماسی خارجی توفیقاتی داشته و توانسته ارتباط به نسبت خوبی با همسایگان برقرار کند و به عضویت سازمان شانگهای دربیاید یا روندی را دنبال کند که پول‌های بلوکه‌شده ایران وارد کشور شود که همه اینها قابل تقدیر است اما در بخش داخلی کشور، مردم به شدت نگران وضعیت معیشت، اشتغال و مسکن هستند. شهریار حیدری گفت: به باور من، دولت هنوز یک برنامه منسجم برای نظم و انضباط مسائل اقتصادی کشور که به تبع آن، معیشت مردم هم روال بهتری را طی کند، ارائه نداده است و عدم کنترل قیمت‌ها نشان از عدم توفیق دولت در این حوزه مهم و تاثیرگذار دارد. وی افزود: مدیریت منابع، یکی از مولفه‌هایی کلیدی در اداره کشورهاست. در حال حاضر، ایران کمبود منابع ندارد، بلکه مشکل، مدیریت منابع است که کاملاً به چشم می‌آید. گرانی و تورم‌های بالا حکایت از فقدان مدیران کارآمد در راس بسیاری از امور دارد. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس یازدهم بیان کرد: دولت سیزدهم در بحث چینش مدیران، ضعیف عمل کرد. اکنون خیلی از جایگاه‌های بزرگ و مهم کشور به افرادی سپرده شده که توان اداره و نظم دادن به آن مجموعه را ندارند. باید یادمان باشد که دنیای امروز بر مدار علم و تجربه می‌چرخد و خالی کردن جایگاه‌های بزرگ از مدیران توانمند تبدیل به چالش اساسی برای کشور شده است. وی ادامه داد: به نظر من، حالا که دو سال از عمر دولت سیزدهم گذشته و خروجی کار مشخص است، باید روال انتخاب مدیران تغییر کند و شایسته‌سالاری به طور جدی در دستور کار تصمیم‌گیران اصلی قرار بگیرد. نماینده قصر شیرین تصریح کرد: دولت باید متناسب با واقعیت‌ها کار مملکت را جلو ببرد، نه شعار. این دولت گفت ما دولت مردمی هستیم و قرار بود دولتی فراگیر باشد و جا داشت که از همه نیروهای متخصص با افکار مختلف بهره ببرد. هرچند دولت در حال تلاش است، اما باید بپذیرد که در بخش‌های داخلی کشور، توفیقات چندانی که بتواند رضایت عمومی ایجاد کند را به دست نیاورده است. وی عنوان کرد: در دوره کاری دولت سیزدهم، هم منابع، هم درآمدها و هم ارتباطات بیشتر شده است، ولی واقعاً سوال این است که چرا تورم مهار نمی‌شود؟ و چرا خیلی خبرهای خوبی از حوزه اشتغال و مسکن به گوش نمی‌رسد؟

نگـــره

توسعه کریدورها با دور زدن ایران

از شمال و جنوب و شرق و غرب در بنادر و مرزها در حال دور زدن ایران هستند. در شمال، باکو و ترکیه با صحنه گردانی احتمالا ناتو و آمریکا در حال بهم ریختن مرزها و شاید حتی تلاش برای قطع کریدور ایران و ارمنستان است. از غرب نیز عراق دست به یک برنامه ریزی پیچیده زده است و بالاخره در ماه‌های اخیر از طرح خود برای اتصال به اروپا پرده برداشت. اما شاید بزرگ‌ترین ضربه در آخرین این دور زدن‌ها این بار با ضربه و هماهنگی هند و عربستان بر بنادر ایران زده شده است و در اجلاس گروه بیست از یک کریدور جدید رونمایی شد که مسیر آن نیز، هند، عربستان، اسرائیل و در نهایت اروپاست و در واقع با این مسیر جدید نه فقط نوار ترانزیتی ایران که مسیر نزدیک‌تر بوده از دست می‌رود، بلکه تقریبا تمامی بنادر جنوب ایران از مسیر ترانزیتی هند حذف می‌شوند و به این ترتیب مسیر طولانی‌تر که بنادر عربستان و در نهایت اسرائیل است، جایگزین می‌شود.

تهدید باکو با تحمیل دالان زنگزور به ایران و ارمنستان

اما این روند چگونه و با چه سازوکاری شکل گرفته است؟ و شاید باید نخستین ضربه در تهدید کریدور شمال ایران را در جنگ میان باکو و ارمنستان جست وجو کرد، جنگی که با پیروزی باکو و بازپس گیری بخش‌هایی از قره‌باغ همراه شد و در نتیجه گذرگاه مهم لاچین در سه سال گذشته بارها مسدود شد و دولت باکو تلاش کرد که کریدور زنگزور را جایگزین کند و به این ترتیب نه تنها امکان تغییر مرز برای ایران و ارمنستان را به وجود می‌آورد که همچنین کنترل راه ارتباطی را به دست می‌گیرد و در مقابل دسترسی ترکیه به آب‌های کاسپین را فراهم کند. اما مسیر دومی که ایران را در تنگنا قرار می‌دهد دورخیز بلند عراق است. بغداد اخیرا از طرح بلندپروازانه‌ای پرده برداشت که با توسعه زیرساخت‌های جاده‌ای و ریلی عراق، می‌تواند این کشور را به کانون حمل و نقل منطقه‌ای تبدیل کند و زمینه ارتباط اروپا را با کشورهای حوزه خلیج فارس و دیگر کشورهای خاورمیانه فراهم سازد. این پروژه هفده میلیارد دلاری به نام «مسیر توسعه» هنوز در مراحل اولیه خود قرار دارد و در صورت تکمیل نهایی، می‌تواند ۱۲۰۰ کیلومتر از مرز شمالی با ترکیه تا خلیج فارس در جنوب عراق را به یکدیگر متصل کند. اکنون به نظر می‌رسد که بازسازی شبکه جاده‌ای و ارتقای زیرساخت‌های ناکارآمد برق در عراق از اولویت‌های بغداد است. توسعه کریدور جاده‌ای و ریلی عراق این امکان را برای این کشور فراهم می‌کند که از موقعیت جغرافیایی خود با هدف تبدیل عراق به مرکز حمل و نقل کالا و جابه‌جایی مسافران بین کشورهای حاشیه خلیج فارس، ترکیه و اروپا استفاده کند. هم اکنون نیز اقداماتی در راستای افزایش ظرفیت بندر تجاری «فاو» در سواحل خلیج فارس آغاز شده است. این پروژه ریلی در طول مسیر خود از شهرهای بزرگی همچون بصره، بغداد و موصل عبور خواهد کرد و تا مرز ترکیه حدود پانزده ایستگاه خواهد داشت. این طرح عملا بنادر جنوبی عراق را در موقعیت فرادست نسبت به ایران قرار می‌دهد. اما شاید شدیدترین و سخت‌ترین ضربه را حالا باید، توافق بزرگی دانست که در اجلاس گروه بیست رخ داده است. در حاشیه برگزاری اجلاس گروه ۲۰ در دهلی نو هند، سران کشورهای عضو این گروه با امضای یک تفاهم‌نامه به سمت ایجاد یک کریدور حمل و نقلی جدید قدم برداشتند. در قالب این تفاهم‌نامه با عنوان «یک جاده یک کمربندی» طرح تازه‌ای برای کریدوری جدید از مقصد هند به اروپا طراحی شده است. جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، در این باره گفته که ایجاد این کریدور یک اتفاق واقعا بزرگ است، زیرا شبیه یک پل بنادر دو قاره را به یکدیگر متصل کرده و موجب فراهم شدن یک خاورمیانه با ثبات بیشتر و موفق می‌شود. کریدور رونمایی شده در اجلاس سران گروه ۲۰ که شامل هند، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اردن، اسرائیل و اتحادیه اروپا می‌شود، به تقویت امور تجاری، عرضه منابع انرژی و بهبود حوزه دیجیتال کمک می‌کند.

خبری از چین و روسیه نیست

این شرایط البته در حالی است که قرار بود یک یادداشت تفاهم برای این توافق بین اتحادیه اروپا، هند، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، ایالات متحده و سایر شرکای گروه ۲۰ امضا شود و نکته مهمتر، اما این نیست که نام چین و روسیه در این تفاهم دیده نمی‌شود بلکه مساله این است که یک سر این توافق اسرائیل است که هنوز روند صلح آن با عربستان سعودی تا نهایت طی نشده است اما مساله دیگر نیز این است که بخشی از این کریدور تازه که تقریبا اصلی‌ترین بنادر ایران همچون چابهار و بندرعباس را دور می‌زند فقط ایران را در محاق قرار نمی‌دهد بلکه در نهایت برای کنترل تلاش‌های چینی‌ها برای نفوذ بیشتر در خاورمیانه است. البته که باید این موضوع را باید نظر داشت که اگر این کریدور به مرحله اجرا برسد بندر چابهار ایران که قرار بود نقطه اتصال هند به اروپا باشد، به طور کامل از بازی کنار گذاشته خواهد شد و به وضوح ایران در محاصره کاملی از کریدورهای جایگزین از خاور دور تا همسایگانش قرار می‌گیرد. البته بندر چابهار فعلا و شاید تا سال‌های آتی به دلیل رقابت و روابط سیاسی پرتنش میان هند و پاکستان، همچنان مهم‌ترین راه ارتباطی میان هند و افغانستان ارزیابی می‌شود.